

روی خط پایداری



یونس باقری



شهید ابراهیم هادی

● مقدمه

در روزگاری که دنیا از نبود اسطوره‌های واقعی رنج می‌برد و به قهرمان‌های خیالی و پوشالی امریکایی مثل بت‌من و اسپایدرمن و آکامن دلش را خوش می‌کند، خداوند چشم ما را به جمال قهرمانانی واقعی روشن کرده است. رهبر معظم انقلاب درباره یکی از این شهدا می‌فرماید: «شخصیتی که در این کتاب (سلام بر ابراهیم) از شهید ابراهیم هادی معرفی شده، بسیار جاذبه دارد. این شخصیت که آدم را مثل مغناطیس به خودش جذب می‌کند، آدم را میخکوب می‌کند، بگردید این شخصیت‌ها را پیدا کنید.

از این قبیل شخصیت‌های برجسته‌ای هستند که این‌ها سردار هم نیستند، حتی فرمانده گردان هم نیستند، اما حکایت‌ها دارند، ماجراها دارند...»*

به منظور آشنایی شما خوانندگان جوان با این قهرمانان و رویدادهایی که از سر گذرانده‌اند، ما در هر شماره از مجله به بررسی اتفاقات، پیش از شروع دفاع مقدس تا پایان آن پرداخته‌ایم.

در این شماره نوبت سال سوم دفاع مقدس یعنی از مهر ماه سال ۱۳۶۱ تا شهریور ماه سال ۱۳۶۲ است. در کنار بررسی وقایع این سال، خاطره‌ای شیرین از شهید ابراهیم هادی را روایت می‌کنیم که در عملیات والفجر در این سال شرکت داشته است. ایشان از شهدای جاویدالآثر است که کتاب خاطراتش از محبوب‌ترین کتاب‌های چند سال اخیر در میان جوان‌هاست و به چاپ صدم خودش نزدیک می‌شود.

● ۱۰ مهر:

● آغاز عملیات مسلم‌بن‌عقیل در منطقه سومار و فتح ارتفاعات مسلط بر این شهر

● ۲۴ آبان:

● عملیات ایران برای فتح شهر مندلی عراق ناکام ماند.

● آذر:

● امام خمینی (ره) در استفتائاتی که از ایشان پرسیده شد، فتوا دادند تا جایی که جبهه‌ها احتیاج دارد، حضور در جبهه‌ها واجب است.

● ۹ بهمن:

● چند تن از فرماندهان ارشد سپاه (سردار سرلشگر مجید بقایی، سردار حسن باقری (غلامحسین افشردی)، سردار توکل قلاوند، مجتبی مومنیان و محمدتقی رضوانی) در منطقه عملیاتی شهید شدند.

● ۱۸ بهمن:

● آغاز عملیات والفجر مقدماتی که به اهداف مورد نظر نینجامید.

● ۲۹ بهمن:

● نیروی هوایی عراق، چاه‌های نفتی نوروژ ایران را بمباران کرد و نفت چاه‌ها به آب‌های خلیج فارس ریخت.



● خاطره

ابراهیم ابهت خاصی داشت. راه رفتنش، بدن تنومند ورزشکاری اش، زور زیادش و حتی محبت کردنش همه را جذب خود می کرد. طوری که حتی خواهرها و برادرهای بزرگتر نیز از او حساب می بردند. زهره خواهر ابراهیم می گوید: «من خیلی از ابراهیم حساب می بردم. حتی بزرگ ترها هم حساب خاصی از او می بردند. شاید به خاطر ورزشکار بودنش بود. چون آن زمان کشتی گیر بودن خیلی اهمیت داشت.

ابراهیم کشتی گیر قدری بود که همه حریفانش را ضربه می کرد. اما وقتی کار به جای حساس می رسید، عمداً کشتی را شل می گرفت و صدای همه را درمی آورد. اما همه می دانستند که او آن قدر قوی است که به این راحتی ها کشتی را نمی بازد، پس چرا ابراهیم کشتی را باخته است؟»

برادرش رضا می گوید: «ابراهیم خیلی قوی بود. یک بار در مسابقه حریفش می گوید ابراهیم من پول جایزه را لازم دارم و ابراهیم کشتی را شل می گیرد و با امتیاز می بازد تا جایزه به حریفش برسد. یک بار هم یک نفر دیگر به ابراهیم چنین حرفی می زند و می گوید هوایم را داشته باش. اما طرف می خواست ابراهیم را ضربه فنی کند که ابراهیم نمی گذارد. از آن به بعد ابراهیم طرف را هر جا می بیند کشتی می گیرد و ضربه می کند تا فکر نکند خبری هست.»**

منبع

*<http://farsi.khamenei.ir>

** قسمتی از گفت و گو با خانواده شهید ابراهیم هادی به مناسبت سالگرد شهادت این شهید بزرگوار در خبرگزاری مهر.

بیماران شهر دزفول
توسط رژیم بعثی عراق



شهید ابراهیم هادی

۱۷ فروردین:

● نشست آلودگی نفت چاهها، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را دور هم جمع کرد تا برای آلودگی تصمیم بگیرند.

۲۱ فروردین:

● آغاز عملیات والفجر ۱

اواخر فروردین:

● ارتش بعث عراق بمباران شهرهای ایران را بیشتر کرد. مسئولان ایرانی هم از امام مجوز بمباران شهرهای عراق را خواستند، اما امام اجازه ندادند و گفتند مردم عراق با ما هستند.

۲۹ تیر:

● آغاز عملیات والفجر ۲ در جبهه شمال غرب
● رزمندگان اسلام همزمان با شورشیان ضدانقلاب در مناطق کردنشین هم جنگیدند.

۷ مرداد:

● همزمان با ادامه عملیات والفجر ۲، والفجر ۳ هم در ارتفاعات شمال و جنوب شهر مهران آغاز شد.

۱۶ مرداد:

● نیروهای بعث عراقی به شهر مهران نفوذ کردند ولی آریبجی زن های ما، تانک های عراقی را به عقب راندند.

مرداد:

● عملیات های والفجر ۲ و والفجر ۳ با موفقیت به پایان رسید.